



بعد از نیم قرن مراسم سالگرد آل احمد در خانه‌اش برگزار شد

## جمعه جلال

همین صفحه

### تئیه‌های امروز

رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان تکالیف رسانه‌ها در جنگ اقتصادی فعلی را تبیین کردند

## انتقاد خیرخواهانه لازم است

دعوا کردن راه اصلاح نیست، همچنان که ایجاد تشکیلات و کار موازی با دولت نیز به صلاح و موفق نخواهد بود و تجربه ثابت کرده است که کار باید به‌وسیله مسئولان آن، در مجاری قانونی انجام بگیرد

راه علاج مشکلات کشور، خالی کردن پشت دولت و ابراز برائت از فعالیت دستگاه‌های مسئول نیست، بلکه راه علاج، ایجاد رابطه سالم بین افکار عمومی و دستگاه‌های مسئول، سخن گفتن و انتقاد کردن و در عین حال کمک فکری و عملی کردن است

صفحه ۵

واکاوی آخرین وضعیت پرونده‌های احتکار، اختفا، گران‌فروشی و کم‌فروشی در گفت‌وگوی «وطن امروز» با مدیرکل تعزیرات استان تهران

## روزهای شلوغ تعزیرات

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از نمایش «بینوایان» که قرار است با پلیت‌های نجومی در هتل اسپیناس پالاس اجرا شود

## بی‌نویان لاکچری!

مدیر کل هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با «وطن امروز»: اجازه نمی‌دهیم سالن‌ها قیمت‌های نامتعارف تعیین کنند

صفحه ۱۳

## رهبر انقلاب در دیدار رئیس جمهوری روسیه با اشاره به شکست واشنگتن در قضایای سوریه:

# آمریکا مهارشدنی است

رؤسای جمهوری ایران، روسیه و ترکیه در بیانیه پایانی نشست تهران بر پاکسازی ادلب سوریه از تروریست‌ها تأکید کردند

صفحه ۲



## جمعه جلال

حسین قدیانی

حج‌نوشتهی بهتر از «خسی در میقات» نداریم! آن روزی که زنده‌یاد آل‌احمد از لزوم گرداندن حج توسط همه کشورهای اسلامی نوشت، سال‌ها فاصله بود تا حج‌نشینان و تا منای خونین! و اغلب آثار جلال، همین قدر مؤثر برای زمان فعلی هستند! وقتی وعده خدا ذیل قول کندها تصویر می‌شود و وقتی جان چشم‌آبی ایفل‌نشین از جان کودکان یمن و بحرین و فلسطین، گران‌تر است و وقتی همه امور کشور را معطل نتیجه مذاکره با غرب می‌کنند، کدام کتاب را باید خواند! «فرزادگی»! وقتی روشنفکر ما از مردم پول می‌گیرد تا برای زلزله‌زدگان خانه‌ی ساخته‌شده و هیچ اطلاعاتی از سرنوشته این پول‌هنگفت نیست، کدام کتاب را باید خواند! «در خدمت و خیانت روشنفکران»! آری! جلال، روشنفکر متعددی بود که دیروز اما برای امروز نوشتند! و در قلمش نوعی حکمت و آینده‌نگری داشت، بلکه سخنش به درد فردای جامعه هم بخورد!

از «حزب توده» بریدی اما از «توده» نه! و ماندی تا آخر، با مردم! اگر چه گاه بدعت‌های‌شان را که تصور می‌کردند سنت است، نقد می‌کردی! ظاهرش آن است که عمر تو به انقلاب، قد نداد و لسی تو خود تجسم انقلاب بودی! روزی علیه آقا جلال، هم معمارش بود، هم بنایش! و دگر روز علیه خودت! که تو تجسم انقلاب درونی بودی! و قیام علیه نفس! و نادم و پشیمان از سال‌های بی‌نمازی! من هم اعتراف کنم! دلم می‌خواهد بعد از عمری بی‌نمازی، چند رکعتی نماز بخوانم به امامت صداقت! و اقتدا کنم به بلندای حریت! همان حریت ناب که مظلومیت شیخ شهید عصر مشروطه را تاب نیابوردا و شجاعانه از «علامت استیلائی غریزدگی» نوشت! واقعا تو که بودی آقا جلال که هم شاهک عاری از مهر را می‌زدی و هم شاه درون خود را! و اشتباهات خود را! گاهی دوستدارانت اما چه خوب که در کتاب، قلم تو و در این حیاط، قدم تو الی‌الابد برای ما مانده است! حرص را خودت خوردی و ناظر بر امامتداری پسندیده همسرت، ارث را گذاشتی برای ما! به شهادت «سنگی بر گوری»! این اواخر، همه قصه زندگی‌ات، غصه نداشتن بچه بود! و حالا بشنوی این صدای ونگ‌ونگ فرزندان تو و سیمین است! آن هم در خانه‌ات! یعنی دلم می‌خواهد زل

خسته از «پارتمان‌سیسم» این بدریخت‌ترین مظهر مدرنیسم که حقیقتا نفس‌مان را تنگ کرده، نشستیم! در خانه‌ای که «حیات» دارد؛ بات ۲ نقطه! و «حیاط» دارد؛ باط دسته‌دار! خانه‌ای که آقا جلال، هم معمارش بود، هم بنایش! و دگر روز علیه خودت! که سیمین خانوم، رسم امامت به‌جا آورد و حفظش کرد! همان‌طور که بود! همان‌طور که جلال خواسته بود! همان‌طور که جلال ساخته بود! زن باکلاس، این جور کلاس کار مرد را حفظ می‌کند! و من به این خانه، فراتر از یک «موزه» به چشم یک «پناهگاه» نگاه می‌کنم! پناهگاهی برای این همه آه بلند که می‌کشیم! بلندتر از ارتفاع کاخ‌های شهر! ممنون حضرت آل‌احمد، بابت این یادگاری! ۵۰ سال گذشت از آن روز که تو از اسلام، سالم برنگشتی و داغت برای همیشه ماند در دل دوستدارانت اما چه خوب که در کتاب، قلم تو و در این حیاط، قدم تو الی‌الابد برای ما مانده است! حرص را خودت خوردی و ناظر بر امامتداری پسندیده همسرت، ارث را گذاشتی برای ما! به شهادت «سنگی بر گوری»! این اواخر، همه قصه زندگی‌ات، غصه نداشتن بچه بود! و حالا بشنوی این صدای ونگ‌ونگ فرزندان تو و سیمین است! آن هم در خانه‌ات! یعنی دلم می‌خواهد زل

بزنم به آسمان بالای این حیاط حوض‌دار، بلکه چشمم به جمال «مدبر مدرسه» روشن شد! می‌شوی حضرت جلال؟! دلم حتی برای صدای تق‌تق عصای خانم دانشور تنگ شده! چقدر باکلاس، عصا برمی‌داشت همسرت! تنها باری که دیدمش، در امامزاده تجریش بود! و پیروز تنها بود! در جایی که عمارتش حیاط داشت و حیاطش حوض و حوضش آب و آبش حیات! درست مثل همین جا! جایی که می‌توان آسمان را براحتی دید و دمی به آسودگی نفس کشید! عوض آن مرغ مشکوک، زندگی‌ات به شکل غربی کوک بود! آقا جلال! و هنوز هم کوک است! روشنفکر می‌خورشیدی و فریاد می‌زدی که «اگر می‌خواهی بفروشی، همان به که باویزت را! قلم را هرگز!» اما قبل از همه اینها، در وهله اول «ادم» بودی! آنقدر آدم که بفهمی کجا وقت «کسی» است و کجا موسم «خسی»! ای بسا منورال‌فکر و روحانی و که و که، که فقط «کسی در میعاد» هستند و هرگز به رتبه «خسی» در میقات نمی‌رسند! و این همان والامر حله ندگی است! جایی که آدمی از همه خود بگذرد و تنها خدا را ببیند! شگفتا تو



حر آل‌احمد بود، نه آنچه در انتخابات، نشان‌مان دادند! پس مهم‌تر از ریش، ریشه است! و الحق که جلال، مرد ریشه‌داری بود! همه بدبختی ما از آن روزی شروع شد که توهم زدیم دهه جلال گذشته! و دهه شریعتی گذشته! و دهه طالقانی گذشته! و دهه مطهری گذشته! و دهه کتاب گذشته! و دهه توبه کنیم! و برای این بازگشت، کجا بهتر از خانه جلال؟! نه! اینجا غار اصحاب کف نیست! امامزاده نیست! مرده هم زنده نمی‌کند! اینجا فقط یک «خانه» است! اما خانه به معنای «پناهگاه»! جا دارد از شر این مجازستان بپوش که همه ما را دارد سطحی بار می‌آورد و نیز از شر این شهر شلوغ پر دین‌دود و بوق و دروغ، دمی پناه بیابیم به این خانه اصیل! در و دیوارش را نگاه کنید! آجرهایش را! کتاب‌هایش را! حیات و حیاطش را! حوضش را! به خدا آن جام جم که در فضای مجازی دنبالش می‌گردیم، در همین خانه است! گاهی بیاییم اینجا! گاهی نفس بکشیم در خانه محبوب! اینجا مثل همین اباطیل، ونگ‌ونگ هم که بکنی، بدل به فاتحهای می‌شود برای شادی روح زن و مردی که خدا می‌داند چقدر آرزوی بچه داشتند!

گذار از رویکرد «واکنش‌محور» به «کنش‌محور»

## «گروه اقدام» تشکیل دهیم

سنخیت و تناسبی وجود ندارد، به عبارت بهتر، ممکن است در مواردی «عکس‌العمل ایران» به گونه‌ای نباشد که «عمل آمریکا» را جبران کرده و ضربه متقابل همسانی به آن وارد کند. به عنوان مثال، ایالات متحده در موضوع تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان از ابزارهای تنبیهی گسترده‌ای در نظام بین‌الملل استفاده می‌کند که این ابزارها عملاً در اختیار ما نیست، بدیهی است در چنین شرایطی نمی‌توان به اصل «واکنش متقابل» استناد کرد. ۲- بدون شک، در اینجا باید به اصل «کنش هوشمندانه» متوسل شد. در کنش هوشمندانه، «بازارها» و «ظرفیت‌های ما» تابعی از «شدت رفتار رقیب» نخواهد بود، بلکه تابعی از «صحنه‌گردانی» ما است. در این صورت، نه تنها رقیب قدرت مانور ما را محدود نخواهد کرد، بلکه بالعکس، ما حدود و ثغور قدرت مانور آن را تعیین خواهیم کرد. در اصل «کنش هوشمندانه»، ناچار نخواهیم بود به صورت ناخواسته مختصات بازی خود را به رقیب ارائه کنیم اما براحتی خواهیم توانست مختصات بازی او را رقیب را تخمین زده یا حتی دقیقاً محاسبه کنیم. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت ما نیازمند سیاست خارجی «کنش‌محور» هستیم نه «واکنش‌محور»!

۳- تشکیل «گروه اقدام» در برابر آمریکا» نه به معنای الگوبرداری از اقدام اخیر وزارت خارجه آمریکا و واکنشی در برابر آن، بلکه به مثابه «کنشگری» ما در قبال واشنگتن است. در این میان مواردی وجود دارد که در تشکیل این «گروه اقدام» می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. ۱-۳- لازم نیست «گروه اقدام علیه آمریکا» در ذیل ساختار وزارت امور خارجه ما شکل گیرد، اگرچه مسئولان وزارت امور خارجه باید در آن حضوری فعال داشته باشند. در این گروه لازم است نهادهای مختلف فکری، سیاسی، نظامی، اقتصادی و علمی حضور داشته باشند. ۲-۳- هدف از تشکیل گروه اقدام علیه آمریکا صرفاً نباید «کنترل رفتار واشنگتن» باشد، بلکه باید همراه با «تجدید قدرت آمریکا» از طریق ضربه زدن به منافع آن باشد. ۳-۳- «پنده‌پژوهی» رفتارهای ایالات متحده و به کارگیری اقدامات پیش‌دستانه در حوزه‌های مختلف، خمیرمایه اصلی گروه اقدام علیه آمریکا را تشکیل دهد. به عبارت بهتر، در این گروه اقدام پیش‌دستانه به مراتب بیشتر از «واکنش مستقیم» اصالت و موضوعیت دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود گروه اقدام علیه ایران دارای اختیارات گسترده‌ای در مواجهه مستقیم با نظام و ملت ایران بوده و تقلیل آن به یک «تاق فکر ساده» یا حتی کار گروهی با قدرت مانور محدود، نوعی فراقتنی و سادهانگاری موضوع محسوب می‌شود. اگرچه دوران ریاست جمهوری «جیمی کارتر» از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، تشکیل چنین مجامع و گروه‌هایی علیه ایران در ایالات متحده مسبوک به سابقه بوده اما اقدام اخیر دولت ترامپ یکی از «نقاط آشکار ساز» منازعه ۴۰ ساله حکومت آمریکا با ایران محسوب می‌شود. در این باره نکاتی وجود دارد که لازم است از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان مورد توجه قرار گیرد. ۱- یکی از راهکارهایی که برای مقابله با اقدام اخیر دولت ایالات متحده و وزارت خارجه این کشور به ذهن می‌رسد، تکیه بر اصل «واکنش متقابل» در برابر «کنش طرف مقابل» است. ممکن است برخی استدلال کنند هرگونه اقدام ایالات متحده علیه کشورمان، باید در همان سطح و حتی به همان سبک و سیاق پاسخ داده شود؛ با این حال نباید فراموش کرد میان «مهره‌های بازی طرفین» «نحوه چینش» و «میزان تاثیرگذاری آنها» بعضاً

### دیدگاه

## ضرورت توجه به لکوموتیوهای اقتصادی

عباس شریفی

اگرچه مشکلات بیرونی، مانعی برای حرکت و پیشرفت محسوب می‌شود و امکان دارد سرعت حرکت کشور را کند کند اما کارکرد اصلی آن هدف قرار دادن نقاط آسیب‌پذیر است. بدون وجود نقاط آسیب‌پذیر، ضربه زدن توسط عوامل بیرونی بسیار سخت خواهد شد، چرا که وسعت و پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل فرصت و قدرت کافی را به معهود کشورهای قدرتمند امروزی برای تحت فشار گذاشتن کشورها نمی‌دهد. این کشورها تنها با سسوار شدن بر نقاط ضعف موجود قادر به پیاده کردن اهداف مستکبران‌شان هستند و تجربه رفع نقاط ضعف حکایت از پوچ بودن ادعاهای بزرگ آنها دارد. مثلاً در قضیه حاکم کردن ظالمانه دلار، برخی کشورها با ترک آن آسیب‌پذیری غیرقابل جبران در این حوزه، بازیگری اساسی در مبادلات تجاری خود را در دستور کار قرار دادند و لاجرم تدبیری برای رهایی از این سلطه خاموش اتخاذ کردند. از آنجا که هیچ تجربه‌ای، بدون راه‌حل نیست، شکستن چنین سلطه‌ای نیز هر چند سخت و زمان‌بر است اما نقطه شروعی لازم داشت که بالاخره باید طی می‌شد. لذا کشورهای شرق آسیا با ابداع پیمان‌های پولی دوجانبه، پاسخی مناسب به چنین تجربه‌ای دادند و با جانشینی ارزهای محلی برای تسویه تجاری بین خود، استفاده از دلار و یورو را به حداقل رساندند تا جایی که ادعا می‌شود در این منطقه ارز غالب وجود ندارد و از همه ارزها در تجارت فرامرزی استفاده می‌شود. وضعیت فعلی اقتصاد کشور نیز با همه مشکلات موجود، قطعاً به بن‌بست ختم نمی‌شود اما شرط لازم خودیابوری برای وسط میدان آمدن و استین‌ها را بالا زدن است؛ مسائلی که متأسفانه در دولت فعلی بسیار کم‌رنگ است. تحریم باشد یا نباشد، عقل، انسان را به اولویت‌ها هدایت می‌کند و از بی‌تحرکی برحذر می‌دارد. برای تحول اقتصادی باید اولویت‌ها را شناخت. اولویت‌هایی که لکوموتیوهای اقتصادی کشورند و در صورت حرکت آنها، سایر اجزای اقتصاد نیز به حرکت درمی‌آید. به طور مثال با وجود تحریم‌ها و ایجاد موانع در تعاملات اقتصادی ایران با سایر کشورها، در حالی که با کاهش سطح رفاه کشور و طبیعتاً افزایش ر کود و...